



رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم مبتنی بر نفرت

محمد انصاری اصل

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی - دانشگاه آزاد واحد تبریز (وکیل پایه یک دادگستری)

Ansari.mohammad54@gmail.com

بهنام آرزومند

کارشناس ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر

چکیده

یکی از عناصر پدیداری رفتار مجرمانه، وجود شخص بزهکاری است؛ بنابراین شخصیت مجرمانه ی مرتکب، بیشتر از هر علت دیگر، موجب تسهیل وقوع پدیده مجرمانه خواهد شد. آنچه در جرایم مبتنی بر نفرت با شخصیت مرتکب اعمال در ارتباط است، انگیزه، سوءظن ها، حدس و گمان، همچنین نگرش بزهکار نسبت به بزه دیده است که در قبال داشتن شاخصه های همچون نژادی، قومیتی، مذهب/اعتقاد، ماهیت جنسی و معلولیت (جسمی-ذهنی) و ... از سایر افراد (بزه دیده) می باشد. در حقوق کیفری ایران نقش انگیزه ارتکاب جرم فقط محدود به ماده ۱۸ و بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی می شود که آن هم شرایط خاصی برای برخی جرایم است و جرایم تحت عنوان جرایم مبتنی بر نفرت در قوانین داخلی ایران، جداگانه جرم انگاری و طبقه بندی نشده است.

واژگان کلیدی: جرم انگاری، جرایم مبتنی بر نفرت، سیاست کیفری، انگیزه، تعصب



Abstract

One of the elements of the emergence of criminal behavior, there is criminal; So the characters commit crime, more than any other cause, to facilitate criminal phenomena will occur. What hate-based crimes acts associated with the character, motive, suspicion and speculation, as well as the attitude of the offender to victim Towards having characteristics such as race, ethnicity, religion / belief, sexual nature or disability (physical-mental) and the others (the victim) is. Iranian criminal law as a crime motivated limited to Article 18 and paragraph (c) of Article 38 of the Penal Code is Which is also specific requirements for certain offenses and offenses under the domestic law of hate-based crimes, criminalization and not classified separately.

Key words: crime, hate-based crimes, criminal policy, motivation, bias



مقدمه

در قوانین کشور ایران قانونی مبنی بر جرم انگاری مبتنی بر نفرت وجود ندارد، فقط در چند ماده محدود بعضی از مصادیق این جرایم همچون تبعیض نژادی مورد جرم انگاری قرار گرفته است.

رویکرد قوانین ایران به جرم انگاری رفتارهای مبتنی بر نفرت

قوانین موضوعه ایران، حکایت از آن دارد که در این قوانین، به طور مشخص ارتکاب جرم با انگیزه نژادی، عاملی مشدده برای تعیین مجازات محسوب نمی شود؛ به گونه ای که، فارغ از مقررات کلی ناظر بر تشدید مجازات، عنوان مذکور به طور مستقل عاملی برای تشدید مجازات محسوب نمی شود؛ مگر در مواردی که قانونگذار به صراحت در این خصوص تقریر حکم نموده است؛ این موارد منحصر است به برخی مواد پراکنده در قانون مجازات اسلامی، که به صراحت از تاثیر انگیزه در ارتکاب جرم یاد کرده و نیز قانون مجازات تبلیغ نژادی مصوب ۱۳۵۶ که به موجب آن تبلیغ و نشر افکار مبتنی بر تبعیض براساس جنس، نژاد و نفرت نژادی و تحریک به آن از طریق تبلیغ عمومی و تشکیل جمعیت و اداره آن و دادن کمک های مالی به آن جرم محسوب شده است. با این وجود در این قانون، تشدید مجازات در نتیجه ی ارتکاب جرم به انگیزه نژادی، لحاظ نشده است؛ در حالیکه ماده ی ۶۱ قانون مجازات اسلامی چنین انگیزه ای را عاملی مخففه در مجازات مرتکب دانسته است. شاید بتوان گفت عدم پیش بینی انگیزه های نژادی به عنوان عاملی مستقل برای تخفیف و یا تشدید مجازات در نظام حقوقی ایران از آن جهت است که میزان مهاجرت دیگر اقوام و نژادها از کشورهای دیگر به ایران چندان گسترده نیست؛ به عبارت دیگر، می توان سبب را در عدم تنوع نژادی ساکنان کشور و نیز این واقعیت دانست که کمتر جرم خاص و فراگیری اتفاق می افتد که به جهت های نژادی و تعلق به یک گروه قومی یا زبانی رخ داده باشد و به همین جهت هنوز قانونگذار به این دلیل و عدم وجود چنین جرایمی در فقه لزومی بر جرم انگاری نمی بیند (محقق داماد، صص ۷-۵).

همانطور که عنوان شد، از جمله قوانینی که به صورت محدود یکی از مصادیق جرایم مبتنی بر نفرت را در ایران جرم انگاری کرده است، قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی مصوب ۱۳۵۶ است هر چند که این قانون قبل از انقلاب به تصویب رسیده اما کماکان پابرجاست. این قانون ۲ ماده دارد که به ترتیب زیر است:

ماده (۱): نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض براساس نژاد و یا جنس و نفرت نژادی و تحریک به تبعیض براساس نژاد و یا جنس یکی از وسائل تبلیغ عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز هر نوع مساعدت منجمله کمک مالی به فعالیتهای تبعیض نژادی ممنوع است و مرتکب به حبس جنحه ای تا شش ماه به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد مگر این که عمل به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری باشد که در این صورت مجازات اشد قابل اعمال خواهد بود.



تبصره- منظور از وسائل تبلیغ عمومی در این ماده عبارت از نطق در مجامع عمومی یا رادیو یا تلویزیون، انتشار اعلامیه چاپ و نشر کتاب و روزنامه و مجله، نمایش فیلم وامثال آنها است.

ماده (۲): هر کس به منظور تبلیغ تبعیض براساس نژاد یا قوم و یا جنس یا به منظور ایجاد نفرت یا دشمنی و یا به منظور ایجاد نفاق براساس نژاد و قوم و یا جنس جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال یا به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم می شود مجازات قبول عضویت در جمعیت فوق حداقل مجازات مذکور خواهد بود.

در قانون مجازات اسلامی در بخش پنجم آن موادی از جمله ماده ۶۱ و ۱۲۲ فصل ۲۵ تحت عنوان احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات ذکر شده اند که، هر چند که هدف از وضع آنها اشاره به جرایم مبتنی بر نفرت نبوده، اما ماهیت این جرایم طوری است که در صورت وجود نفرت در ذهن مرتکب، قابلیت این را دارند که در زیر مجموعه وندالیسم که یکی از مصادیق جرایم مبتنی بر نفرت است قرار گیرند، هر چند منطقی این است که در صورتی که اساس انجام جرم، نفرت باشد مجازات شدیدتر و مناسب تری برای آن در نظر گرفت و علت اینکه نگارنده این مواد را در اینجا عنوان می کند بیشتر جهت روشن تر شدن مطلب است. به طور مثال ماده ۱۲۲ تعزیرات عنوان می کند:

«هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد» و یا ماده ۶۱ قانون که عنوان می کند:

«هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزیینات، ملحقات تاسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلا نیز واجد حیثیت فرهنگی-تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می شود».

همانطور که گذشت رفتارهای مبتنی بر نفرت در قوانین ایران مورد مذاقه قانونگذار قرار نگرفته است. ولی از بطن مواد قوانین کیفری ایران می توان در قبال رفتارهای مبتنی بر نفرت به کار گرفت و با مرتکبان جرایم عادی را که همراه با انگیزه نفرتی می باشند نسبت به سایر مرتکبان که چنین انگیزه و سوء ظن هایی ندارند برخوردی متفاوت و اساسی تر داشت. از جمله مواد مرتبط با بحث اخیر که به صورت عام در حقوق کیفری عمومی ایران مورد اشاره قرار گرفته است ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ می باشد که در مقایسه با قوانین جزای عمومی سابق رویکردی عام تری را بیان داشته است. ماده فوق مقرر می دارد: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص، یا دبه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، مواد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف - انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب - شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن



پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت - سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی».

این ماده که در راستای اصل فردی کردن مجازات ها بیان شده است. مقصود از اصل فردی کردن مجازات ها توجه به خصوصیات، شرایط و اوضاع و احوال مجرم هنگام اعمال مجازات هاست.

در خصوص ماده ۱۸ مذکور نکاتی چند در برخورد با رفتارهای مبتنی بر نفرت در حقوق کیفری ایران قابل ذکر می باشد.

الف: آن رفتارهای مبتنی بر نفرت شامل ماده ۱۸ خواهد شد که سابقا در قوانین ایران به عنوان تعزیر جرم انگاری شده باشند مثل: توهین، تخریب و

ب: اعمال و رفتارهایی که از نوع جرایم تعزیری می باشند می توان در صورت همراه بودن انگیزه نفرت آلود به حداکثر مجازات تشدید داد. بنابراین در سایر جرایم (حدود، قصاص) مقررات ماده رعایت نخواهد شد.

پ: رعایت بندهای ماده ۱۸ برای دادگاه صادر کننده حکم الزامی می باشد.

ت: اگرچه می توان مطابق ماده ۱۸ در صورت مورد هدف قرار دادن بزه دیده با سوءظن و یا انگیزه نفرت آلود مجازات مرتکبین را تشدید کرد ولی این تشدید مجازات، تا حداکثر کیفر مقرر قانونی برای جرم انجام یافته خواهد بود نه بیشتر از آن.

با توجه به توضیحاتی که در مورد ماده ۱۸ اشاره شد؛ می توان بر این عقیده بود که اگرچه جرم خاص و با عنوانی به نام جرایم مبتنی بر نفرت در حقوق کیفری ایران جرم انگاری نشده است ولی می توان مطابق با بندهای «الف» و «ب» ماده فوق ؛ در صورتی که برای دادگاه نیت و انگیزه مجرمانه مرتکب مبنی بر ارتکاب اعمال و رفتار به صورت نفرت آمیز محرز گردد حکم به حداکثر مجازات معین شده برای جرم انجام یافته بدهد. زیرا واژه "انگیزه" در ماده فوق الذکر به صورت عام به کار برده شده است و می تواند به صورت انگیزه شرافتمندانه و یا با حسن نیت و احسان و ... باشد که از موجبات تخفیف دهنده و حتی در برخی از موارد موجب برائت دهنده باشد و یا برعکس انگیزه می تواند از علل و عوامل مشدده محسوب شده که کینه و دشمنی و خصومت و نفرت و ... از این گونه جهات می باشد (Carissa, p8).

در نهایت می توان گفت مطابق ماده؛ دادگاه (قاضی صادر کننده حکم) اگر انگیزه مجرمانه مرتکب را از نوع نفرت و تعصب و کینه به خاطر ویژگی های خاص بزه دیده بطور مثال : نژاد، قومیت، زبان، جنسی و ... احراز کند می تواند مجازات ایشان را نسبت به سایر اشخاص عادی که چنین انگیزه هایی را ندارند و همان جرم را مرتکب شده اند، به حداکثر مجازات حکم داد. شایان ذکر است که مطابق با بند «ب» ماده ۱۸ نیز مراتب فوق را تایید کرد زیرا جرایم مبتنی بر نفرت از جمله جرایمی است که شنیع بوده و برای بزه دیدگان و بازماندگان آنان تاثیرات روحی و روانی مستقیم و غیر مستقیم خواهد داشت که شاید خوف و ترس آن مدت ها طول بکشد.



از دیگر موارد که در حقوق کیفری ایران؛ با توجه به خلا قانونی با موضوع جرایم مبتنی بر نفرت برای مرتکبین جرایم مبتنی بر نفرت قایل شد، بدین نحو خواهد بود که مجرمان را از برخی نهادها همچون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای حکم، نظام نیمه آزادی و مجازات های جایگزین حبس در قوانین سلب نماییم؛ زیرا موارد مزبور قبل از هر چیز از اختیارات قاضی صادر کننده حکم می باشد و در مرحله بعد نیز قاضی دادگاه باید برخی از شرایط قانونی را با اوضاع و احوال وقوع جرم و مرتکب و بزه دیده و ... قابل انطباق بداند. اگر جرمی به صورت مبتنی بر نفرت ارتکاب یافته شود؛ قاضی صادر کننده حکم با لحاظ کردن این علت، متهم یا مجرم را از نظام ها و نهادهای سلب و نفی می کند. توضیح تکمیلی بر اینکه اگرچه در سایر کشورها با عنایت به وجود قانون خاص جرایم مبتنی بر نفرت مرتکبان اینگونه جرایم را به صورت مجازات مشدد حکم داده می شود؛ ولی در کشور ایران در خلا قانون مذکور؛ سلب امتیازاتی همچون تعلیق و تعویق و ... به نوبه خود می تواند به نحو افتراقی در تعیین مجازات، از سرزنش پذیری بیشتری برای بزهکاران با نگرش مبتنی بر نفرت محسوب شود.

جرم زایی قوانین کیفری ایران از منظر رفتارهای مبتنی بر نفرت

اگرچه وجود قانون کیفری برای یک جامعه امری ضروری است لیکن نمی توان تبعات ناشی از تصویب و اجرای آن را نادیده انگاشت. در مواردی این قانون کیفری که به دنبال مبارزه با بزهکاری است خود به یک عامل جرم زا تبدیل می شود و زمینه ها و شرایط ارتکاب جرم را فراهم می نماید و کارکرد معکوس قوانین کیفری مورد لحاظ خواهد گرفت یعنی جنبه بازدارندگی و ترس از مجازات شدن مرتکبان جرایم سلب خواهد شد و از طرف دیگر بر انگیزه مجرمانه تاثیر خواهد داشت و نتیجه بر این خواهد بود که مرتکبان از فرصت و خلا قانونی استفاده کرده و با خیالی آسوده تر تصمیم بر انجام رفتار مجرمانه خواهد گرفته.

با بررسی قانون مجازات اسلامی متوجه می شویم که قانون به طور مستقیم و غیر مستقیم می تواند شرایط ارتکاب جرم را فراهم نماید. در مواردی با تجویز قانونی ارتکاب اعمال جرم گونه و انتقال حق دادگستری به افراد عادی به طور مستقیم به یک عامل جرم زا تبدیل می شود. قانونگذار کیفری ایران در مواد مختلفی از ق.م.ا به افراد عادی نوعی مبارزه با بزهکاری را از طریق اعمال خشونت اعطا نموده و افراد در برخی مواقع به جای نظام عدالت کیفری نشانده تا خود عمل معیار با هنجارهای اجتماعی را کشف نموده و عدالت اجرا نماید است(تقی زاده، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

مقنن متعاقب انقلاب اسلامی درصدد پیاده نمودن احکام و قوانین شرعی برآمده و بعضاً آنچه را که در فقه عنوان حرام داشت بدان وصف مجرمانه بخشیده و وارد مجموعه قوانین جزایی نموده و به کمک پاسخ های کیفری سرکوبگر و قهرآمیز درصدد حاکم ساختن و اجرای ارزشهای مذهبی و مجبور نمودن تابعان حقوق کیفری به تبعیت از آنها برآمده است. از منظر رفتارهای مبتنی بر نفرت نیز وجود رویکرد فوق می تواند نقش بسیاری در ارتکاب جرایم مبتنی بر نفرت داشته باشد از آن جهت که از بارزترین تمایزهای جرایم مبتنی بر نفرت با جرایم عادی وجود انگیزه نفرت آمیز و مشخصه و ویژگی خاص بزه دیده من جمله مذهب و دین و جنس و ... می باشد. توضیح بر اینکه قانونگذار ایران با تلفیق قوانین کیفری با رویکردهای فقهی و عدم مطابقت قوانین کیفری با زمان و مکان وجود تبعیض ها را در خود گنجانده



است که تبعیض به لحاظ عقیده و مذهب و جنسیت و ... از جمله آنهاست. نتیجتاً بایست گفت که قوانین کیفری ایران در برخورد با رفتارهای مبتنی بر نفرت، تعصب آفرین و نفرت زا می باشند.

تفاوت در دین و مذهب بزه دیده از منظر جرم زایی رفتارهای مبتنی بر نفرت در قوانین کیفری ایران

می توان گفت که جرایم مبتنی بر نفرت حامی و نگه دارنده کرامت انسانی اشخاص می باشد. از تعاریف و مبنای کرامت انسانی حمایت از اصل انسان بدون تفکیک و تفاوت در نوع جنس، زبان، نژاد و قوم و ... می باشد (عارفی، ۱۳۹۲، ص ۲۹). بنابراین با توجه به تعریف کرامت انسانی می توان بیان مقدم را تثبیت کرد و جرم انگاری رفتارهای مبتنی بر نفرت را به نوعی پاسداشت کرامت انسانی تلقی کرد.

علی رغم اینکه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد متعددی به پاسداشت کرامت انسانی سایر مذاهب و ادیان یعنی به غیر از دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری پرداخته است که اصول ۱۲ تا ۱۴ قانون اساسی کشور ایران از این گونه موارد می باشد. ولی با دقت در برخی از این اصول ملاحظه و به نظر می رسد که در تبیین کرامت انسانی مطلق از لحاظ دین و مذهب، دچار پارادوکس می باشد. برای مثال اگر اصل ۱۲ و ۱۴ را مورد دقت قرار دهیم متوجه بر این می باشیم که احترام به سایر مذاهب مشروط به ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران نباشد، شده است. و یا از طرف دیگر مذاهب در اصل ۱۲ به صورت حصری یعنی حنفی، شافعی، مالکی و زیدی نامبرده شده است و از همه مهمتر با قید "اسلامی" سایر مذاهب غیر اسلامی را مورد احترام و حمایت قرار نداده است (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، صص ۸۴-۸۶). بنابراین باید گفت که وجود چنین تضادهایی موجب و زمینه سازی برای خشونت و بی مهری و تبعیض و تفاوت و نفرت و کینه خواهد بود. ماحصل آن وجود تفاوت ها مابین مسلمانان با غیر مسلمانان و حتی در داخل مسلمانان یعنی مابین مذاهب محصور با غیر مذاهب محصور می باشد. نمونه تفاوت مذکور را می توان در قوانین کیفری بالاخص قانون مجازات اسلامی ایران بخش حدود و قصاص قابل مشاهده نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اسلامی شدن قوانین کیفری و حقوقی، قانون گذار در جهت اسلامی کردن قوانین براساس منابع فقهی و فتاوای حضرت امام خمینی، به وضع قانون حدود و قصاص و دیات و تعزیرات اقدام کرد.

از باب بحث تاریخی و تاکید بر این نکته که چقدر قوانین کیفری ایران با مطابقت مطلق از فقه زمینه ای برای جرم زایی را فراهم نموده بود، می توان قانونگذاری ایران را از جهت جرم زایی بودن در ماده ۳۱ قانون راجع به مجازات اسلامی (ماده ۵۶ مجازات اسلامی) ملموس دانست که بیان داشت:



اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده در موارد زیر جرم محسوب نمی شود: بند سوم بیان داشت «در صورتی که ارتکاب عمل به عنوان امر به معروف و نهی از منکر باشد».

یعنی قانونگذار ارتکاب اعمال مجرمانه را از قبیل ضرب و جرح و قتل و در صورتی که در مقام امر به معروف و نهی از منکر بود، جرم نمی دانست. گذشته از مشخص نبودن مصادیق این بند، به دلیل مغایرت با اصل قانونی بودن جرم و مجازات که مورد قبول قانونگذار ایران قرار گرفته است (ماده ۲ ق.م.ا.) مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفت. ضمن این که این بند با مقررات شرعی نیز سازگار نبود زیرا قول مشهور فقهای شیعه این است که ضرب و جرح و قتل در امر به معروف و نهی از منکر از سوی افراد عادی مجاز، بلکه فقط امر به معروف و نهی از منکر به زبان نیست توسط افراد عادی مجاز است و سایر مراتب به امام و حکومت اسلامی واگذار شده است. لذا قانونگذار در اصلاحات سال ۱۳۷۰ این بند را از مجموعه قوانین کیفری حذف کرد (آقابابایی، ۱۳۸۸). لازم به توضیح است که با توجه به تصویب قانون حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر با نگاهی عمیق در ماده ۴ آن مداخله افراد جامعه را در بعد عملی اسقاط کرده و آن را صرفاً از تکالیف دولت دانسته است که ماده فوق بیان می دارد: «مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است». بنابراین در بند سوم ماده ۳۱ قانون راجع به مجازات اسلامی که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از علل موجهه جرم دانسته می شد با تغییر رویکرد قانونگذار در قوانین بعدی از قوانین کیفری منسوخ گردید.

در خصوص جرم زایی قانون مجازات اسلامی راجب به رفتارهای مبتنی بر نفرت از منظر تفاوت در دین و مذهب بزهکار و بزه دیده نیز می توان مواردی را مشاهده و نام برد که می توانند انگیزه مجرمانه مرتکب را آسوده خاطر کند و یکی از اصلی ترین ویژگی جرم انگاری و کیفر گذاری یعنی ترس و بازدارندگی را از بین ببرد که این مواد بیشتر در بخش حدود و قصاص و دیات می باشد که در ذیل به نمونه های از آن اشاره می شود:

مطابق با ماده (۵۵۲) «شخص متولد از زنا در صورتی که هر دو یا یکی از طرفین زنا مسلمان باشند، در احکام دیه مانند مسلمان است. بنابراین اگر با دو طرف نامسلمان متولد شود دیه آن حسب مورد نادیده گرفته می شود» که در این صورت چون اولاد ناشی از زنا از عدم رضایتی پدر یا مادر صورت می گیرد راه را برای ارتکاب هر نوع جرم و جنایتی با توجه به نفرتی که افراد من جمله خود زانی و زانیه از شخص متولدالزنا هموار خواهد نمود.

مطابق با ماده (۵۵۴) ق.م.ا. دیه جنایت بر اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان می باشد که در خصوص این ماده بایست گفت که به نوعی تبعیض آشکار است زیرا اقلیت های دینی شناخته نشده از حمایت قانونگذار برخوردار نبوده و این در نوبه خود زمینه و بهانه خوبی برای ارتکاب رفتار و جرایم با انگیزه مبتنی بر نفرت می باشد.



براساس ماده (۲۵۱) نیز مسلمان بودن از شرایط حمایت قانونگذار در حد قذف بوده است بنابراین عمل شنیع و ناپسندانه نسبت دادن زنا و قذف به غیر مسلمان از احترام قانونگذار باقی مانده است که می تواند مصداقی در ارتکاب جرم بر علیه غیر مسلمان در صورت عدم جرم انگاری باشد.

مواد (۲۹۱) و (۳۰۱) و (۳۰۳) و (۳۱۰) نیز حیات اشخاص غیر مسلمان را نیز می تواند در مخاطره گذارد و با صرف آگاهی و علم به جنین مجوزی برای شخص مرتکب، ایشان می تواند با کمترین نفرت و تعصب به اشخاص غیر مسلمان بمرتکب رفتار مجرمانه شود زیرا از شرایط قصاص تساوی در دین را اعمال کرده است.

تفاوت در جنسیت بزه دیده از منظر جرم زایی رفتارهای مبتنی بر نفرت در قوانین کیفری ایران

اساساً جنسیت عاملی برای تفاوت در مجازات نیست، اما در نظام حقوقی اسلام و به تبع آن مقررات فعلی جمهوری اسلامی ایران تفاوت هایی از این حیث دیده می شود. این تمایزات را در سه دسته می توان خلاصه نمود: تفاوت در نوع و میزان مجازات، تفاوت در معافیت از مجازات و تفاوت در اجرای مجازات (یزدیان جعفری، ۱۳۸۸، ص ۷۹).

بنابر اصل برابری در قبال قانون، حقوق کیفری ذاتاً حقوقی غیر شخصی است. یعنی برای همه تابعان یکسان است. بدین جهت قانونگذار هنگام تعریف جرایم و تعیین مجازات ها از معیار دوگانه استفاده نمی کند اما در موارد استثنایی به عنوان یک امتیاز و حمایت برای برخی تابعان از این اصل عدول می شود. یکی از این موارد استثنا براساس جنسیت و حمایت از جنس زن است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول و اساس متعددی را در خصوص حمایت از حقوق و جایگاه زنان تدوین گشته است که اصول (۲۰) و (۲۱) از بارزترین آنهاست. ولی این اقرار نیز همانند اشخاص دیگر مذاهب و ادیان از حقوق مطلق و محض مربوط به کرامت انسانی برخوردار نمی باشند و این تمایز در زیر بنای قوانین منجر شده است که قوانین (من جمله کیفری) نیز از آن مطابقت کنند و بر تصویب مواد قانونی تبعیض گرا مشروعیت بخشیده است. با این توضیح که وجود قید "رعایت موازین اسلامی" در اصول فوق الذکر محدوده را برای حقوق تساوی زنان با مردان را کمتر کند و در برخی موارد نیز حتی حالت عکس داشته است (رحیمی نژاد، ص ۸۷). در قوانین کیفری نیز در قانون مجازات اسلامی تفسیر فوق بازتاب دارد که به نوعی می توان گفت روزنه ای برای ارتکاب رفتارهای مبتنی بر نفرت می باشد و حتی می تواند موجب سوءاستفاده های مرتکبین شود که تفاوت زن و مرد در قصاص و دیه و معافیت از مجازات شوهر از قصاص در موارد قتل در فراش ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) از نمونه های بارز تسهیل وقوع رفتارهای مبتنی بر نفرت می باشد زیرا



اگر به عنوان مثال در تمام سوءظن ها و پیش داوری ها که مرد نسبت به زن دارد با حاصل شدن اینکه مرتکب بر مجوز قانونی و تسهیل کننده ارتکاب رفتار مجرمانه اطلاع و علم دارد مرتکب جرایم مذکور خواهد شد یعنی بازدارندگی جرایم قوانین کیفری منفور خواهد ماند.

رابطه پدری و جرم زایی رفتارهای مبتنی بر نفرت در قوانین کیفری ایران

اگرچه فرزندکشی تنها به کشتن کودکان اطلاق می شود اما با توجه به این که کودکان از اقشار آسیب پذیر اجتماع بوده و وابسته به والدین شان محسوب می گردند، به همین خاطر مصداق شایع فرزندکشی، کشتن کودکان است و همین امر هم باعث اهمیت موضوع می گردد. از نظر ماده یک کنواسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق گردیده، کودک، هر انسان زیر ۱۸ سال می باشد که نیازمند حمایت های قانونی است؛ بنابراین دولت ها نیز باید ترتیبی اتخاذ کنند تا موجب آن هرگونه خشونت علیه کودکان را محدود و با آن مبارزه نمایند.

بدیهی است فرزندکشی را باید یکی از جنبه های خشونت خانگی علیه کودکان دانست که اغلب توسط نزدیک ترین اشخاص به طفل، مانند والدین یا پدربزرگ اعمال می گردد. در تشریح مهم ترین دلایل عمده فرزندکشی که می تواند از جنبه های مبتنی بر نفرت (که این گونه نفرت ها در تعریف موسع جرایم مبتنی بر نفرت قرار دارند) باشد، می توان بطور نمونه موارد زیر را نام برد:

۱- نامشروع بودن کودک و کشتن وی برای مخفی نگه داشتن رابطه نامشروع مادر ۲- ناقص الخلقه بودن کودک ۳- تعصباتی که فرزند دختر را ننگ و منجر به دختر کشی می شود ۴- سوءظن پدر نسبت به نامشروع بودن فرزندش ۵- جنون های آنی به خاطر فشارهای عصبی وارده بر والدین و در نهایت اختیار از کف دادن و کشتن فرزند به دلایلی مانند نافرمانی، گریه زیاد یا بازیگوشی فراوان.

بنابراین وجود انگیزه و اهداف نفرت آلود فوق در والدین به خصوص پدران کودکان را پیش از پیش در معرض بزه دیدگی قرار می دهد که مستلزم حمایت دقیق قانونگذار می باشد تا انگیزه مجرمانه مرتکبین را تا حدودی خنثی کند.

ماده (۳۰۱) مقرر داشته: «قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

تبصره- چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتکب، مانع قصاص نیست.»

براین اساس، ملاحظه می گردد که قتل عمدی فرزند به دست پدر یا جد پدری، موجب قصاص نفس نیست و مجازات آن طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) پرداخت دیه به ورثه مقتول و حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال است.

با این حال از نظر دستاوردهای علم جرم شناسی، ماده (۳۰۱) قانون مجازات اسلامی در ردیف قوانین جرم زا قرار گرفته و وجود آن عاملی است که دست پدران را در قتل فرزندان خویش باز گذارده و بدین ترتیب پدران مرتکب فرزندکشی بدون ترس از مجازات شدید یا سنگینی که برای قتل عمدی در قانون مورد پیش بینی قرار گرفته، راحت تر دست به چنین جنایتی می زنند.

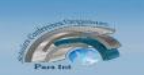


متاسفانه قانونگذار برخلاف بند ۲ ماده ۶ کنواسیون حقوق کودک که خود نیز بدان ملحق شده و تضمین داده که حداکثر امکانات را برای بقای کودکان ضمانت کند، هنوز راهکاری برای حذف یا اصلاح ماده (۳۰۱) قانون مجازات اسلامی ارائه نکرده و در قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵) نیز صراحتی درباره فرزندکشی پیش بینی نکرده است. بلکه تنها در ماده ۲ آن، هر نوع آزار و اذیت کودکان و نوجوانان را که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع اعلام و به موجب ماده ۴ آن برای مرتکب، مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا ۶ ماه و یا جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال را پیش بینی نموده است که به هر حال نمی تواند مانعی بر سر راه پیشگیری از جرم فرزندکشی را نهی و به طور اختصاصی از آیه ۹ سوره تکویر و آیه ۵۹ سوره نمل نیز دخترکشی را منع و نهی نموده است، نگاه جدیدی داشته و گامی بر تصحیح ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی بر می داشت این در حالی است که فرزندکشی از جمله جرایمی به شمار می رود که دارای گروه بزه دیدگی گسترده می باشد که لازمه حمایت کیفی می باشد.

تلفیق سیاست کیفی تقنینی ایران با اسناد بین المللی در رابطه با جرایم مبتنی بر نفرت

با توجه به مطالب قبل مشخص می شود مواد قانونی مرتبطی در رابطه با جرایم مبتنی بر نفرت وجود ندارد. اما کنواسیون ها و موافقت نامه های بین المللی نیز در مورد جلوگیری و جرم انگاری جرایم مبتنی بر نفرت وجود دارد که ایران به آنها ملحق شده و در مجلس شورای اسلامی نیز به تایید رسیده باشند. از جمله این ها می توان از کنواسیون جلوگیری از خرید و فروش زنان و کودکان (ژنو-۱۹۲۱)، کنواسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیماتی (نیویورک-۱۹۶۰)، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنواسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (نیویورک-۱۹۶۷) و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنواسیون بین المللی علیه آپارتاید در ورزش (نیویورک-۱۹۸۰)، قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرار دادهای بین المللی پاریس و ژنو راجع به جلوگیری از رفتار جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنواسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان نام برد.

به عنوان نمونه مواد قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنواسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (نیویورک-۱۹۶۷) را مطابق با جرایم و رفتارهای مبتنی بر نفرت مورد تبیین قرار داده می شود تا ضرورت جرم انگاری جرایم مبتنی بر نفرت در سیاست های قوانین ایران ملموس تر ببینیم. لازم به توضیح است از آنجا که اکثر کنواسیون های بین المللی که ایران بدان ملحق شده است از ویژگی هایی همچون تعهد بر قانون گذاری و تغییر سیاست های کشور با توجه به موضوع کنواسیون های الحاق شده می باشد کنواسیونی که در زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت به نوعی ضعف و قوت قوانین ایران در اکثر کنواسیون ها را با موضوع جرایم مبتنی بر نفرت را نشان خواهد داد.



الف: مطابق کنواسیون، هر گونه اعمال غیر انسانی را که ناشی از سیاست ها و رویه هایی را که دلیل بر جدایی و تفاوت قایل شدن تبعیض بر میان نژادها باشد را مورد نقض قرار داده است. بنابراین علاوه بر مسائل و تبعیض های حقوق کیفری (جرم انگاری و کیفر گذاری) می توان تبعیض های موجود نژادی سیاست جنایی کشورهای طرف این کنواسیون را مد نظر قرار می دهد.

بند اول (۱) بدین گونه بیان می دارد:

«کشورهای طرف این کنواسیون اعلام می دارند که آپارتاید جنایتی علیه بشریت بوده و اعمال غیر انسانی که ناشی از سیاستها و رویه های آپارتاید و نیز سیاستها و روشهای مشابه جدایی نژادی و تبعیض به تر تبیی که در ماده ۲ این کنواسیون تعریف شده است، می باشد که اصول و حقوق بین المللی و بخصوص مقاصد و اصول منشور ملل متحد را نقض می کنند و نیز تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی بشمار می آیند».

در خصوص سیاست جنایی ایران می توان توضیحات فوق را پذیرفت که در برخی از قوانین حقوق خصوصی عدم تبعیض و تعصب از روی تفاوت نژادی را تاکید داشته است.

کشور ایران با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و وجود خرده فرهنگ های متنوع و گوناگون در بافتار اجتماعی آن من جمله مذهبی، قومی و اقلیتی و ... به نظر می رسد باید به رفتارهای مبتنی بر انگیزه نفرتی و تعصبی توجه ویژه ای داشت. در مرحله اول مداخله کیفری در امر جرایم و رفتارهای مبتنی بر نفرت می باشد زیرا وجود قتل های زنجیره ای علیه زنان و آزار و اذیت کودکان خیابانی و سوءاستفاده های جنسی از آنان به ویژه دختران فراری و ارتکاب جرم علیه انواع اقلیت ها در کشور ایران از نمونه های بارز جرم های مبتنی بر نفرت می باشد (عباچی، ص ۵۷۹).

بنابراین بدون مداخله دقیق کیفری امر فوق، برخورد با مرتکبان دارای انگیزه های خطرناک و شریرانه ممکن نخواهد بود. همانطور که در تعاریف جرایم مبتنی بر نفرت بیان شد تفاوت اصلی این گونه جرایم با جرایم عادی وجود انگیزه نفرت آلود می باشد و این ویژگی دخالت در امر کیفری را ملموس تر و آشکار تر می کند توضیح بر اینکه یکی از انواع پیشگیری از جرم، پیش گیری کیفری است. با توجه به تاریخ و شیوه های مبارزه بشر با پدیده جرم، جرم شناسان پیشگیری از جرم را به دو گونه پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری تقسیم کرده اند، اصطلاح پیشگیری از جرم در معنای وسیع خود شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می شود ولی در مفهوم مضیق پیشگیری فقط تدابیر غیرکیفری را شامل می شود.

پیشگیری کیفری با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سوء و به اجرا گذاشتن این تهدید کیفری از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت های کیفری را نقض کرده اند؛ می خواهد در مقام پیشگیری عام و پیشگیری خاص از جرم درآید. منظور از پیشگیری عام، استفاده از جنبه های ارعاب آمیز حقوق کیفری و مخصوصا مجازاتهاست؛ با این استدلال که ترس از دستگیری و مجازات، افراد را از ارتکاب جرم منصرف می نماید؛ لذا قانونگذار با جرم انگاری برخی رفتارها همچون سرقت، قاچاق و ... همچنین تعیین مجازات های سنگین برای مرتکبین



اینگونه اعمال و ترساندن افرادی که در صورت نبودن مجازات ممکن است برای ارتکاب جرم وسوسه شوند، از وقوع جرم پیشگیری می کند. و منظور از پیشگیری کیفری خاص از جرم، پیشگیری از تکرار بزه توسط بزهکار است، که این امر «اصلاح مجرمین» نام دارد (معظمی، ۱۳۸۶، ص ۹۳۹).

در جرایم مبتنی بر نفرت نیز انگیزه مجرمانه ارکان اصلی جرم محسوب می شود بنابراین با مداخله کیفری از طریق نظام عدالت کیفری (جرم انگاری و قضایی) می توان هر دو نوع از ارباب عام و خاص را می توان بر مرتکبان تحمیل کرد و از وقوع جرایم مبتنی بر نفرت پیشگیری کرد.

جهت تکمیل بحث می توان بیان کرد با دقت در قوانین ایران رفتارهای مبتنی بر نفرت جرم انگاری نشده است و عضویت و الحاق در کنواسیون ها و معاهدات بین المللی نیز بدون مداخله نظام کیفری در قوانین داخلی ایران موجب بهبود وضعیت نخواهد ولی با توجه به این گونه کنواسیون ها فی الحال حداقل می توان برخی از مواد قوانین کیفری ایران را مورد بازبینی و تصحیح قرار داد که قانون مجازات اسلامی ایران از این گونه موارد می باشد. با ملاحظه قانون مجازات اسلامی می توان گفت که قانونگذار در جرایم علیه اشخاص رویه ای با رویکرد فقهی را استمرار بخشیده است و تفاوت در نژاد و مذهب بزهکار و بزه دیده را فقط و صرفا به نفع هم نوعان (مسلمانان یا اقلیت های دینی شناخته شده) جامعه ایران حکم داده است. لازم به توضیح است که تبعیض اخیر الذکر فقط در جرایم ایراد صدمه بدنی بر قربانی جرم محدود بوده و به سایر جرایم علیه غیر مسلمانان تسری ندارد. بنابراین در دیگر جرایم مانند جرایم علیه اموال و ... مذهب تاثیر بر نوع و میزان مسوولیت نخواهد داشت (سبزواری نژاد، ۱۳۷۴، صص ۷۳-۹۲).

اگرچه سیاست کیفری ایران در مقایسه با سیاست کیفری کشورهای دیگر برای مقابله با جرایم مبتنی بر نفرت با محدودیت هایی چون مبتنی بودن سیاست کیفری با شرع و تعیینی بودن احکام مثلا قتل کافران حتی به لحاظ یک اعتقاد جزئی مهدورالدم بودن با محدودیت های خاصی روبه روست ولی با وجود ادله و اسناد فقهی در سیاست جنایی اسلام مثل وجود آیات و روایات در خصوص عدم داشتن سوءظن ها و نفرت ها به اشخاص و گروه دیگر به نظر می رسد می توان با به کار بردن اینگونه ظرفیت ها، سیاست کیفری موثری برای مقابله و پیشگیری جرایم مبتنی بر نفرت در ایران را لحاظ کرد. که تقنین برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نشان از این امر می باشد. ماده ۳۱۰ و تبصره آن تا حدودی حکم قضیه را تعدیل کرده است و تنها غیر مسلمان در حکم مستامن را از تفاوت در نوع و میزان مجازات معاف کرده است بنابراین غیر مسلمانی که در حکم مستامن نباشد از تبعیض قانونگذار به دور نخواهد ماند.

ماده فوق تصریح می دارد:

«هرگاه غیر مسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستامن، یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایش های فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستامن یا معاهد، بر غیر مسلمانی که ذمی، مستامن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی شود. در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود.



تبصره(۱): غیر مسلمانانی که ذمی، مستامن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند در حکم مستامن می باشند».

نتیجه گیری

ایران از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی و فرهنگی در ساختار جمعیتی خود برخوردار است؛ و این تنوع قومی تعامل و رابطه بین آنها را ناگزیر می سازد. از سویی دیگر باورها و پیشداوری های موجود بین اقوام، در چگونگی تعامل آن ها با یکدیگر تاثیر گذار است؛ به گونه ای که از یک سو می تواند مانع تعاملات اجتماعی بین آن ها شود و از سوی دیگر منجر به جرایم و رفتارهایی که سازنده آن نفرت و کینه و تعصب هست، شود. در کشور ایران بسترهای ویژه اعم از اجتماعی و فرهنگی متنوع از جمله تفاوت در نژاد، زبانی، قومیتی، ملیتی و گستردگی اعتقادات دینی زمینه های اساسی برای وقوع جرایم مبتنی بر نفرت وجود دارد.

سیاست کیفری ایران در مقایسه با سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مبتنی بر نفرت رویکرد ضعیف و غیر قابل توصیفی داشته است زیرا در سیاست کیفری ایران در موارد خیلی کم به این گونه جرایم پرداخت شده است و تنها در جرایم تعزیری نیز مطابق با ماده ۱۸ ق.م.ا می توان در مواردیکه برای دادگاه صادر کننده حکم انگیزه های مبتنی بر نفرت و تعصب حاصل گردد می توان به حداکثر مجازات مرتکب را محکوم کند. در سیاست کیفری ایران در رابطه با رفتارهای مبتنی بر نفرت در برخی مواد قانونی به خصوص در جرایم حدی و قصاص رویکرد عکسی دارد بدین توضیح که وجود برخی مواد قوانین کیفری از علل ارتکاب جرایم مبتنی بر نفرت می باشد یعنی از منظر جرایم مبتنی بر نفرت خود قانون، جرم زا می باشند.



۱- افتتاحی، اصغر، ساختار امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱۸.

۲- امین صارمی، نودر، انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگ های معارض، نشر دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۰.

۳- آقابابایی، حسین، قتل نفس به اعتقاد مهدوردم بودن مقتول، فصلنامه فقه اهل بیت فارسی، ۱۳۸۸، شماره ۲۲.

۴- تقی زاده، نگین، نقش قوانین کیفری ایران در جرم زایی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۸.

۵- جلالی، محمود، «حقوق بشر در تصمیمات دیوان بین المللی دادگستری» مجله قضایی و حقوق دادگستری، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۲.

۶- ربیعی، ناصر، وندالیسم یا خربکاری، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۶۶، مهر ۱۳۸۶.

۷- رحیمی نژاد، اسمعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷.

۸- سبزواری نژاد، حجت، نقش نژاد و مذهب قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان، مجله حقوقی دادگستر، شماره اول، پاییز ۸۹.

۹- عباچی، مریم، جرایم مبتنی بر نفرت، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران انتشارات میزان، چاگ دوم، ۱۳۹۲.

۱۰- محقق داماد، مصطفی، جزوه درسی فقه استدلالی ۱، دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۶-۸۵.

۱۱- معظمی، شهلا، پیشگیری جرم شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد(حقوقی)، سال اول، تابستان ۸۶.

۱۲- ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی. نظریه ها و دیدگاهها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.

۱۳- یزدانیان جعفری، جعفر، نقش جنسیت در مجازات مجرم، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، شماره ۴۵، ۱۳۸۸.

14-Carissa Byrne Hessick ,Motive's Role in Criminal Punishment, 2007